

فاطمه قلاوند-زهره قلاوند

اعضاء هیئت علمی

دانشگاه پیام نور خوزستان

Maria_sahad@yahoo.com

مناسبات اقتصادی ایران در دوره ایلخانان و اردوی زرین

چکیده:

در پی جهانگشایی مغولان و استیلای آنان بر بخش قابل توجهی از آسیا مناسبات وسیع و چشمگیر اقتصادی و تجاری به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای تشکیل امپراطوری مغولان نسبت به گذشته نمود و جلوه پررنگ تر و بیشتری یافت. در این میان موقعیت جغرافیایی اردوی زرین و ایلخانان و همسایگی و مجاورت این دو حکومت عامل مهمی جهت مراودات تجاری و بازرگانی آنها بود و این روابط متأثر از نوع مناسبات سیاسی ایلخانان و الوس جوچی با افت و خیزهای چندی تا پایان عمر دو حکومت ادامه یافت.

استقرار امپراطوری مغول باعث شد تا عوامل مختلفی بر رونق مبادلات تجاری و مناسبات اقتصادی تاثیر گذارد. در این دوره مناطق زیادی به مدار تجاری امپراطوری مغول کشیده شد و تجارت به صورت چشمگیری در ابعاد منطقه ای و محلی و یا میان حکومت های مختلف صورت پذیرفت. با استقرار ایلخانان در ایران و اعقاب باتو در اردوی زرین و تثبیت امنیت مجدد در این مناطق، بازرگانان این کشورها نیز فعالیت خود را از سر گرفتند. گرچه مبادلات تجاری میان ایران و دشت قباچاق و مناطق مجاور آن از دیرباز وجود داشت، اما روابط بازرگانی این دو سرزمین در این دوره، تا حد بسیار زیادی از نوع روابط و مناسبات سیاسی دو حکومت متأثر می شد. علاوه بر اینکه دو حکومت در پی جنگ ها و برخوردهایشان تا حد زیادی مانع ادامه روابط تجاری و بازرگانی دو کشور می شدند، سعی داشتند تا با ضربه زدن به مراودات اقتصادی و ایجاد ناامنی از این طریق نیز یکدیگر را تضعیف نمایند. با این وجود در دوره های صلح و آرامش داد و ستد و با ترانزیت کالا میان دو کشور صورت می گرفت.

کلید واژه: تجارت، بازرگانی، ایلخانان، اردوی زرین، مناسبات اقتصادی.

مقدمه

مغولان از دیرباز اهمیت فراوانی برای تجارت و بازرگانی قائل بودند.¹ این مسئله باعث می‌شد تا آنان، جهت برآوردن برخی مایحتاج و نیازمندی‌هایشان به داد و ستد مبادرت نمایند. مغولان در این مبادلات به فروش محصولات و تولیدات قبیله‌ای خود و پوستهایی که از طریق شکار به دست می‌آوردند، اقدام می‌نمودند.²

علاقه به داد و ستد، چون مورد توجه چنگیزخان بود در زمان او و جانشینانش ابعادی جهانی به خود گرفت، آنچنان که می‌توان فراهم نمودن شرایط مناسب برای بازرگانی را از اهداف مهم و مورد علاقه آنان به شمار آورد. آنان به خوبی به این موضوع پی برده بودند که یکی از عوامل رونق اقتصادی یک حکومت، مبادلات بازرگانی و داد و ستد است و به همین دلیل از جمله اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب، جهت بازرگانی و تسهیلاتی جهت بازرگانان و نظایر آن بود که باعث رونق تجارت در این دوره شد.³

در ادامه سیاست‌های چنگیزخان، تلاش برای توسعه قلمرو امپراطوری و ادامه فتوحات در دوره قویلای‌قان پیگیری شد. علاوه بر فتح کامل چین و پایان انزوای آن که در دوره قویلای‌قان صورت گرفت در زمینه تجارت و بازرگانی نیز اقدامات مهم و قابل توجهی صورت گرفت. در این دوره ناوگان‌های تجاری، امکان حرکت از این کشور تا غرب آسیا و اروپا را یافتند. آنها همچنین جهت داد و ستد و تجارت به هندوستان، سری لانکا، مالایا و جاوه نیز می‌رفتند. روابط نزدیک قویلای با ایلخانان باعث شد تا این ناوگان‌ها به خلیج فارس نیز وارد شوند و این موضوع در پیشرفت بندر هرمز نقش مهمی ایفا کرد. زیرا حضور بازرگانان و تجار مناطق مختلف به خصوص شرق آسیا باعث شد حجم داد و ستد در این دوره در این منطقه افزایش یابد.⁴

به علاوه رونقی که به دنبال مساعی و تشویق قویلای در امر تجارت صورت گرفت، باعث شد تا کشتی‌های اعراب نیز جهت مناسبات تجاری به شرق تا بنادر زایتون، کویسنای و هانگچو سفر کنند. نکته قابل ملاحظه اینکه، گسترش اسلام در جنوب شرقی

آسیا نیز در این دوران و در جریان همین سفرها عملی شد. همچنین نخستین بار بود که اروپا به وسیله تجارت با چین رابطه مستقیم می یافت.

به این طریق حجم قابل توجهی از کالاها و اقلام مورد تقاضا در این مسیرها مبادله می شد. در این دوره بازرگانان در شاهراه های قلمروی مغولان از شبه جزیره کریمه تا شهر سرای و اترار سفر می کردند و با عبور از کوهایی آلتایی به مناطق تحت سیطره خان بزرگ می رسیدند.⁵ به طور کلی باید گفت: در پی استیلای مغولان و فرمانروایی آنان، تحولاتی در زمینه تجارت صورت گرفت و فعالیت های بازرگانی در این دوره به لحاظ کمی و کیفی حجم قابل توجهی یافت.

اوضاع بازرگانی و تجاری دشت قبیچاق در دوره استیلای مغولان

خان های اردوی زرین نظیر سایر مناطق امپراطوری مغولان منشأ تحولات بسیاری در امر تجارت و بازرگانی شدند. اردوی زرین به آن بخش از متصرفات مغولان که پس از مرگ جوچی و گسترش مجدد در زمان اکتای قآن، تحت تسلط باتو، فرزند ارشد جوچی قرار گرفت و از سواحل مسیر بالخاش تا ناحیه بلغار امتداد داشت، اطلاق می شد.⁶

فتوحات در ابتدا یورش مغولان به دشت قبیچاق و روسیه، نظیر هر یورش و تجاوز دیگری، ویرانی های چندی به بار آورد. این تاخت و تاز و یورش ها در شهرها که مکان های عمده تجارت و داد و ستد محسوب می شد، بسیار ویرانگر بود. به عنوان نمونه در تهاجمی که سپاهیان مغول به فرماندهی باتو به ایالات جنوبی روسیه و منطقه اوکراین در پاییز 638ه.ق (1240م) صورت دادند، شهرهای پریسلاو، چرنیگوف، کیف و غیره سقوط کردند. سقوط کیف، به خصوص از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. زیرا به دنبال این رویداد، اهمیت برجسته و خاص خود را در منطقه از دست داد و از تاریخ روسیه به حاشیه رانده شد.⁷

از این پس مرکز ثقل روسیه به سه منطقه دیگر انتقال یافت. منطقه جنوب شرقی که لیتوانیایی ها بر آن مسلط شدند و در نهایت لهستان آن را جذب کرد. دوم شهر بازرگانی

نوگورود - واقع در شمال غرب - که توانست مدتی طولانی (تا اواخر قرن پانزدهم میلادی) میراث سیاسی کیف را حفظ کند و مهمترین این مناطق که مسکو و در شمال شرق واقع بود.

مسکو قبل از سقوط کیف، امیرنشینی نه چندان مهم در داخل قلمرو کیف بود. اما پس از سقوط این شهر و استیلای مغولان بر این منطقه به سرعت رشد نمود.⁸ به دنبال سقوط شهر کیف مغولان بار دیگر، گالیچ، لادجین و کامه‌نت را غارت کردند.⁹ این ویرانی‌ها چنان شدید بود که برخی از این مناطق و شهرها در دوره زمامداری باتو همچنان ویران بود. به عنوان نمونه تمام شهرهای واقع در مسیر رودهای ایلی و چو در جنوب دریاچه بالخاش در چنین وضعیتی قرار داشتند.¹⁰

علاوه بر تهاجم مغولان، عامل موثر و عمده دیگر در ویرانی این مناطق، این بود که مهاجمان جهت فراهم آوردن محل‌هایی برای چرای احشام و دام‌های خود به نابودی شهرها مبادرت نمودند.¹¹ این مسئله در کنار عواملی چند به عنوان پیامد تهاجم مغولان به رکود اولیه و موقت تجارت کمک کرد. حملات مغولان که در دو نوبت به سرزمین روسیه و دشت قبیچاق صورت گرفت، باعث کشتار بسیاری از ساکنان این مناطق شد. کاهش جمعیت، علاوه بر کاهش میزان عرضه و تقاضا، کاهش تحرک و رکود در امر بازرگانی و تجارت را نیز در پی داشت. به وجود آمدن شرایطی ناامن و نامساعد، برای مدتی سرزمین‌های مورد تهاجم را از مدار تجارت خارج کرد. به عنوان نمونه پس از نبرد کالکا¹²، شهرهای روسیه در پی قتل و غارت و چپاول سپاهیان مغول خالی از سکنه شد و در پی همین ناامنی‌ها گروهی از بازرگانان و تاجران روسی این کشور را ترک و به مناطق دیگر مهاجرت کردند.¹³

به دنبال استقرار و تثبیت حاکمیت مغولان در این مناطق، زندگی شهرنشینی بار دیگر رونق یافت.¹⁴ رونق شهرنشینی نیز عامل موثری در شکوفایی و تحول در بخش بازرگانی و تجارت بود. هرچند بسیاری از مناطق تحت سیطره فرزندان جوچی فقط در دوره‌ای کوتاه مدت از تهاجم مغولان آسیب دید، ولی آثار بلندمدت و طولانی این حملات

نیز در برخی مناطق ملموس و مشهود بود. جنوب روسیه یکی از مناطقی بود که در پی یورش مغولان ویران و خالی از سکنه شد و هیچ وقت نتوانست، شکوفایی و رونق سابق خود را به دست آورد و شمال روسیه نیز از جریان مبادلات اقتصادی شرق و غرب دور ماند.¹⁵ گرچه به طور دقیق مشخص نیست که خروج این مناطق از عرصه اقتصادی به چه دلیل بوده است. آیا صرفاً تهاجم مغولان باعث چنین تغییراتی شده است یا اینکه سیاست های زمامداران اردوی زرین، چنین شرایطی را تحمیل کرده بودند و یا اصولاً شمال روسیه، منطقه مهمی در مبادلات تجاری به شمار نمی رفته است. اما به نظر می رسد، رونق اقتصادی و بازرگانی مراکز دیگری در اردوی زرین چون سرای باعث توجه بیشتر تجار و بازرگانان به این مناطق و عدم پیشرفت سایر شهرها و مراکز شد. به عبارت دیگر می توان گفت که مراکز تجاری و بازرگانی که در این دوره به صورت فعالی، عرصه فعالیت های اقتصادی و تجاری شدند، باعث کمرنگ شدن رونق سایر مراکز و عدم پیشرفت چشمگیر آنها گشتند.

با این وجود، اردوی زرین مانند سایر مناطق امپراطوری مغولان از رونق بازرگانی و تجارت بی نصیب نماند. مغولان در دشت قبیچاق و روسیه، بعضی راههای تجاری بسیار قدیمی و باستانی را که دو قاره آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل می نمود و به دلیل وجود راهزنان، متروک و بدون استفاده مانده بودند، دوباره احیاء کردند.¹⁶ احیای راهها، امنیت تاجران و بازرگانان و فراهم بودن اسباب تجارت در سایه حکومت مقتدرانه مغولان باعث رونق نسبی بازرگانی شد و بسیاری از بازرگانان در این دوره با از سرگیری تجارت و پرداختن به آن ثروتمند شدند. مبادلات تجاری در حد منطقه ای و یا با شرق و غرب صورت می گرفت. در این میان علاوه بر راهی که از شبه جزیره کریمه شروع می شد و تا شهر تاتو در چین ادامه می یافت،¹⁷ می توان به راه دریایی مهمی که از بندر اسکندریه در شمال کشور مصر آغاز می شد و به شبه جزیره کریمه در غرب اردوی زرین منتهی می شد به همراه یک راه زمینی دیگر که سرتاسر مناطق شمالی غربی، شمالی و شمال شرقی ایران را در بر می گرفت و از ماوراءالنهر و خوارزم، گذشته و به سرای می رسید، اشاره کرد.¹⁸

زاممداران اردوی زرین می‌کوشیدند با فراهم آوردن شرایطی مناسب، قلمروی خود را به مدار اقتصادی بین‌المللی وارد نمایند. زیرا قلمرو خان‌های اردوی زرین نسبت به ایران یا چین و یا برخی دیگر از مناطق تحت سیطره مغولان به دلیل جغرافیایی و آب و هوایی از تنوع محصولات تجاری و مسیرهای قابل کشتیرانی کمتری برخوردار بود و نیز زاممداران این الوس به خوبی می‌دانستند که نباید از فعالیت‌های تجاری پر رونق این دوره عقب‌مانند، زیرا افزایش توان اقتصادی، در افزایش قدرت سیاسی مؤثر بوده است و این مسئله باعث شد تا آنان تلاش زیادی جهت رونق تجاری مناطق تحت سیطره شان صورت دهند.

در پی همین تلاشها و اهمیت به تجارت بود که سرای پایتخت آباد و پرجمعیت این کشور (که قلقلشندی آن را شهری آباد و پر رونق در کنار رود اتل در شمال دریای خزر معرفی می‌کند) میعادگاه تاجران و بازرگانان کشورهای مختلف بود.¹⁹ زاممداران اردوی زرین خود از تاجران بزرگی بودند که امتعه و کالاهایی را که از نقاط مختلف، جهت عرضه به این سرزمین می‌رسید در صورت نیاز با قیمت بسیار خوبی خریداری می‌کردند.²⁰ بازرگانان با ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوتی به اردوی زرین رفت و آمد می‌کردند که از جمله آنان می‌توان به ارمنیان، ایتالیایی‌ها، یهودیان، ایرانیان و مسلمانان آسیای مرکزی اشاره کرد. از طرف دیگر حجم تجارت در این سرزمین در دوره استیلای مغولان با کشورهای نظیر لهستان، لیتوانی، مصر، بیزانس، ایران، کافا و آسیای مرکزی افزایش یافت.²¹ ابن بطوطه در طی سفر به سرای که در زمان زاممداری اوزبک صورت گرفت به این موضوع اشاره می‌کند که در سرای محل‌های خاصی جهت اقامت بازرگانان و تاجران کشورهای مختلف وجود دارد.²² وجود ویرانه‌ها و بقایای متعددی از کاروانسراها در بافت پایتخت اردوی زرین - سرای - گواه رونق تجارت در آنجا می‌باشد.²³

از اردوی زرین به طور مداوم مقادیر قابل توجهی پوست،²⁴ اشیای سفالین و بلورین²⁵ و برده و غله به نقاط مختلف صادر می‌شد.²⁶ علاوه بر اقلام مذکور، اردوی زرین بر تجارت خز که عمدتاً از طریق دریای خزر و دریای مدیترانه صادر می‌شد، نظارت

و کنترل موثری داشت. زیرا این ناحیه یکی از مناطق عمده تولید و صدور خز بود.²⁷ در این میان تجار باتجربه و پرکار جنوایی سهم بسزایی داشتند. آنان انحصار تجارت در دریای سیاه را از امپراطور میخائیل پالئولوگ گرفته بودند و در رقابت با بازرگانان و تجار ونیزی به اقدامات مهمی جهت پیشبرد اهداف و مقاصد اقتصادی خود دست زدند. جنوایی‌ها کارخانه‌هایی در بنادر کریمه و کافا پدید آوردند و با شروع فعالیتشان از سال 666 هـ ق (1267 م) در اردوی زرین به یکی از طرف‌های عمده تجاری این کشور تبدیل شدند. آنان اقلامی چون پارچه‌های فنلاندی را در بازارهای اردوی زرین به فروش می‌رساندند و مشتریان خوبی برای پوست، غله و برده این مناطق بودند. آنها پوست‌های گرانبها و غلات را در شهرهای اروپای باختری به فروش می‌رساندند و بردگان را پس از انتقال از طریق دریا و بندر قسطنطنیه به مصر می‌بردند.²⁸ مصر بزرگترین خریدار این بردگان بود. زیرا از آنان در تأمین نیروی نظامی و سربازان خود بهره می‌برد.²⁹

بازرگانان جنوایی و ونیزی در دهه‌های اولیه استقرار مغولان و تثبیت حکومت آنان در این مناطق، اقدام به ایجاد بنگاههای تجاری در محلی موسوم به خزریه نمودند.³⁰ اقداماتی از این قبیل و اهتمام بازرگانان ایتالیایی به مبادلات بازرگانی در این منطقه، بیانگر اهمیتی است که این مناطق در داد و ستد خارجی دارا بودند. به عبارت دیگر می‌توان حدس زد، یک همکاری دوجانبه بین سران اردوی زرین و بازرگانان ونیزی و جنوایی جهت رونق بازرگانی و تسهیل تجارت در این مناطق صورت گرفته بود. به عنوان مثال در سال 665 هـ ق (1266 م) از سوی مقامات حکومتی به جنوایی‌های ساکن در کافا، زمینی واگذار شد.³¹ که در آن یک کنسولگری و انباری جهت کالاهای خود ایجاد کردند.³² مساعد شدن شرایط تجاری در این مناطق باعث شد تا ونیزی‌ها نیز چون رقبای جنواییشان و پا به پای آنان به ناحیه ولگای سفلی و سرای، بزرگترین بازار پوست فروشی شمال، جهت داد و ستد رفت و آمد، نمایندند.³³ در این میان از تمام مناطق تحت سیطره اردوی زرین، خوارزم به دلیل شرایط بهتر و مناسب‌تر تجاری در حوزه فرمانروایی اعقاب جوچی نقشی برجسته و پررنگ در بازرگانی و تجارت ایفا می‌کرد.³⁴ زیرا خوارزم از

دیرباز از مناطق مهم تجاری و محلّ رفت و آمد تجار و کاروان های مختلف تجاری محسوب می شد و در این دوره نیز از فعال ترین مراکز تحت سیطره اردوی زرین بود و تاثیر زیادی در رونق اقتصادی این کشور داشت.

مناسبات بازرگانی ایران و اردوی زرین درباره روابط اقتصادی ایران و اردوی زرین و مبادلات تجاری این دو کشور با یکدیگر، منابع، اطلاعات چندانی ارائه نمی دهند. با این همه، مطالب موجود گویای وجود روابط بازرگانی بین دو کشور همسایه است. همانگونه که در بالا اشاره شد، روندی در اردوی زرین در گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی با دولت ها و اقوام مختلف در این دوره صورت گرفت و این موضوع باعث شد تا ایران نیز به عنوان یک کشور همسایه با اردوی زرین مرادوات تجاری داشته باشد. گرچه از دیر زمانی قبل از استقرار حکومت های مغول در مناطق ایران و اردوی زرین، تجارت ایران با دشت قبچاق و آسیای میانه صورت می گرفته است. در واقع بازرگانان ایرانی و قبچاقی از مدتی قبل یکدیگر را می شناختند و با کالاها، فرآورده ها و تولیدات یکدیگر آشنا بودند. اما در دوره مورد بحث به دلیل گسترش و رونق هر چه بیشتر تجارت، طبعاً حجم و مقدار این مبادلات نیز افزایش یافت. لازم به ذکر است که کمیت و حجم مناسبات بازرگانی میان این دو کشور تا حدّ زیادی متأثر از روابط سیاسی دو کشور بود که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

بازرگانان در این دوره از طریق چندین مسیر ارتباطی این دو کشور در رفت و آمد، بوده اند. پراهمیت ترین و مناسبترین مسیر در این قسمت، ناحیه شمال غربی ایران و جنوب غربی اردوی زرین، یعنی مسیری بود که از آذربایجان، اران و قفقاز می گذشت و به اردوی زرین می رسید.³⁵ از آنجایی که تبریز در این دوره یکی از شهرهای مهم اقتصادی و تجاری ایران محسوب می شد، اهمیت این مسیر بیش از پیش آشکار می شود. از طرف دیگر این مسیر کوتاهترین راه برای مبادلات دو کشور بوده است. اهمیت دیگر این مسیر به آن علت بوده است که بازرگانان در صورت لزوم به راحتی می توانستند با بخش های

غربی این منطقه و با جنوب ایران و خلیج فارس در این بخش نیز مبادلاتی داشته باشند.³⁶ این مسیر به رونق بازرگانی خوارزم که منطقه ای برای مبادلات بازرگانی با آسیای مرکزی به شمار می رفت در این دوره کمک می کرد. زیرا خوارزم از جهت غربی به سرای و از جنوب به ایران می رسید و به این ترتیب حجم قابل توجهی از مبادلات تجاری در این منطقه صورت می گرفت. مسیر سوم که در روابط بازرگانی و مبادلات بین ایران و اردوی زرین اهمیت داشت، مسیر دریای خزر بود.³⁷ این مسیر، تنها راه آبی قابل کشتیرانی بین دو کشور بود و به همین دلیل، اهمیتی مضاعف داشت. عمده مبادلات و داد و ستدها در این منطقه در جزیره نیم مردان صورت می گرفت.³⁸ این جزیره با جمعیتی بی شمار و فراوان، محل بارگیری و باراندازی کشتی های روسی و ایرانی بود که از گیلان و مازندران به این جزیره می آمدند.³⁹ بازرگانان روسی، ارمنی، یهودی، و ایرانی و سایر تاجران در این دوره، کار مبادله و تجارت در مسیرهای مذکور را انجام می دادند.⁴⁰

اقلامی که اردوی زرین به عرضه آن، شاخص بود، اقلام معدود و مشخصی بود که اکثر این کالاها مورد تقاضا و نیاز ایران نیز بود. در میان این کالاها، پوست انواع حیوانات، نظیر پوست سمور، سنجاب، قاقم،⁴¹ روباه و قندز⁴² که بیشتر آنها جنبه تزئینی و تجملی داشت از کالاهای مهم صادراتی به شمار می رفت.⁴³ مارکوپولو در سفرنامه خود درباره ساکنان مناطق شمالی روسیه این گونه آورده است:

«... آن قدر پوست های گرانبها دارند که باور کردنی نیست. در حقیقت به جز سمورهای گرانبها، قاقم، سنجاب، سنجاب سبیری، روباه سیاه و دیگر پوست های گرانبها را دارا می باشند. همگی آنها شکارچی می باشند و آن قدر از جانوران می کشند که سبب شگفتی می شود. مردم همسایه و هم مرز آنها که در ایالات روشن زندگی می کنند، تمامی این پوست ها را از آنان خریده و به ممالک دیگر می برند. سود سرشاری که از تجارت این پوست ها نصیبشان می شود، غیرقابل تصور است.»⁴⁴

یکی دیگر از اقلام صادراتی دشت قیچاق، اسب و گوسفند بوده است و ابن بطوطه در سفرنامه اش به فراوانی اسب در دشت قیچاق و قیمت پایین آن که به یک تا چند دینار خرید و فروش می شد، اشاره دارد.⁴⁵ فراوانی مواشی در آن مناطق به دلیل موقعیت خاص آب و هوایی و مستعد بودن این نواحی جهت پرورش حیوانات مذکور بوده است. اهالی دشت قیچاق، بیشترین بخش غذای مصرفی خود را از گوشت این حیوانات تأمین می کرده اند.⁴⁶ درباره تجارت این اقلام بین اردوی زرین و ایران در تاریخ و صاف آمده است:

«چون نقای وارث مملکت منگوتیمور شد⁴⁷ بار دیگر رسولان روان

گشتند و بازرگانان به آمد و شد پرداختند. چنان که ارآن از کثرت ارابه ها و

برده ها و اسب ها و گوسفند ها موج می زدی».⁴⁸

برده یکی دیگر از صادرات عمده این مناطق بوده است.⁴⁹ درباره منشا این بردگان و این که عمدتاً از کدام مناطق، آنها را جهت فروش به متقاضیان و تاجران عرضه می کرده اند، اطلاعاتی در دست نیست. این گروه از بردگان از شهرهای ترک نشین اطراف دریای روس و از مناطق دوردست نظیر سوداق آورده می شده اند.⁵⁰ و صاف به صدور و انتقال این بردگان به ایران از طریق شمال غربی و منطقه ارآن اشاره می کند.⁵¹ اما در مورد تعداد این بردگان و نحوه استفاده از نیروی کار آنان گزارشی وجود ندارد. به عبارت دیگر مشخص نیست که آیا این گروه را صرفاً جهت انجام خدمات در امور مربوط به دربار و منزل خریداری می کردند و یا این که از آنان در امور نظامی و خدمت در سپاه نیز استفاده می شده است. از آن جایی که در هیچ یک از منابع به سپاهی، متشکل از این بردگان در دوره ایلخانی اشاره نشده است، می توان حدس زد که گروه مذکور بیشتر جهت انجام کارهای معمولی خریداری شده اند. البته لازم به ذکر است که غازان خان در پی جنگ های ایران و اردوی زرین و با آگاهی از اینکه شمار قابل توجهی از مغولان اردوی زرین به اسارت ایرانیان درآمده اند، سپاهی از اسرا و بردگان اردوی زرین تشکیل داد و سرپرستی آنان را به پولاد چینگ سانگ سپرد و مراغه را هم به عنوان تیول به آنان واگذار نمود. این سپاهیان با بردگانی که در بالا از آنان سخن گفته شد و عموماً توسط تجار و بازرگانان

خریداری می شدند و در نقاط مختلف به فروش می رسیدند، متفاوت بوده اند. زیرا سپاهیان برده غازان، عموماً از مغولان و منسوبان به خاندان سلطنتی بود و غازان نیز برای جلوگیری از فروش آنان و تخفیف و توهینی که به این طریق به مغولان وارد می شد به تشکیل سپاهی از آنان مبادرت نمود.⁵² البته از آنجایی که کشوری چون مصر از بردگان در نیروی نظامی خود استفاده می کرد، می توان حدس زد که این بردگان دارای قابلیت هایی جهت استفاده در نیروی نظامی نیز بوده اند. اما همانطور که گفته شد در منابع اشاره ای به این موضوع و به کارگیری این بردگان در نیروی نظامی ایلخانان نشده است.

بیشترین متقاضیان این بردگان صادراتی اردوی زرین، کشور مصر بود. مصر که در دوره مورد بحث از دولت های دوست و گاه متحد اردوی زرین محسوب می شد، اهتمام فراوانی در به کارگیری این گروه در نیروی نظامی از خود نشان می داد.⁵³ در نخبه الدهر درباره این بردگان آمده است:

«بازرگانان همواره برای فروش کالاهای خویش و نیز برای خرید کنیزکان و بردگان و قندس و برطاس (پوستین روباه که از ولایت برطاس آورند) به این شهر (سوداق) می آیند و خداوند از این طایفه گروههایی در مصر و شام جایگزین فرموده است».⁵⁴

خواجه رشیدالدین فضل الله در نامه ای که برای پسرش مجدالدین به روم ارسال کرده است، درباره کالاها و اجناسی که باید آنها را برای خرید زمستان تهیه نماید و مقدارشان صحبت کرده است. در میان اسامی مناطق و کشورهای که خواجه رشیدالدین، نام آنها را جهت خرید اجناس مختلف از آنجا ذکر کرده است، نام دشت قبیچاق نیز دیده می شود. اما نام کالاهایی که باید از آن منطقه وارد شود، عنوان نشده است.⁵⁵

مسئله مهم تر در بررسی روابط اقتصادی ایران و اردوی زرین، بیان نقش و تاثیر نوع روابط سیاسی و مناسباتی از این دست در مراودات و مناسبات اقتصادی است. سرزمین های تحت سیطره اعقاب جوچی هم به لحاظ جغرافیایی و نیز از جنبه اقتصادی اهمیتی حاشیه ای داشتند،⁵⁶ به عبارت دیگر این مناطق، فاقد جذابیت ها و ثروت قابل

ملاحظه ای بودند و زمامداران این کشور سعی داشتند تا به مراتع غنی و راههای بازرگانی و کاروان رو آذربایجان دست یابند. با این که اغلب اوقات بهانه هایی برای جنگ و تهاجم زمامداران دشت قبیچاق وجود داشت.

تداوم این تنش ها و حملاتی که به شمال غربی ایران صورت می گرفت، گویای اهمیتی بود که مناطق مذکور برای دو طرف منازعه داشت. حاکمان اردوی زرین با دستیابی به مناطق مورد دعاوی می توانستند از ثروت این مناطق بهره برند. در واقع منافع و اهداف اقتصادی در سیاست توسعه ارضی مغولان دشت قبیچاق، مهمترین بخش این اهداف بوده است.⁵⁷

در دوره بیشتر خان های اردوهای زرین، تلاش های زیادی از سوی آنان جهت دستیابی بر مناطق آذربایجان و اران صورت گرفت. این تلاش ها منجر به جنگ هایی شد که طی آن خان های اردوی زرین سعی می نمودند، مناطق مذکور را به سرزمین های خود ضمیمه کنند.⁵⁸ در واقع یکی از عوامل اصلی و بسیار مهمی که منجر به اختلاف های دو دولت ایلخانان و اردوی زرین می شد، سیاست توسعه طلبی بود. در طی دوره حکومت برکه 655هـ-665هـ (1257م-1266م) اردوی زرین تا غربی ترین نواحی ممکن گسترش یافته بود. استپ های دن و دنیپر، شبه جزیره کریمه و دامنه های شمالی قفقاز در سیطره این الوس بود و نفوذ این خان نشین تا جنوب دانوب در بلغارستان و تراکیه گسترش یافته بود و همزمان کوشش هایی نیز از سوی زمامداران این اردو جهت ضمیمه نمودن روم سلجوقی صورت گرفت که بی نتیجه ماند.⁵⁹ توجه اردوی زرین به مناطق جنوبی و سعی در دستیابی به آن در پیروی از سیاست خارجی این اردو بود که بر به دست آوردن مراتع غنی این ناحیه و راه های بازرگانی و کاروان رو آذربایجان متمرکز شده بود. این مسئله زمانی اهمیت می یابد که موقعیت این مناطق را با سرزمین هایی که بیشتر قلمروی اردوی زرین را تشکیل می دهد، مقایسه شود زیرا این سرزمین ها نه تنها از نظر جغرافیایی، بلکه به لحاظ اقتصادی و سیاسی نیز قابل مقایسه و برابری با مناطقی نظیر آذربایجان و بخش جنوبی قفقاز نبوده، بلکه تنها اهمیتی حاشیه ای و درجه دو داشت.

الحاق مناطقی نظیر نواحی جنوبی قفقاز، آذربایجان و آناطولی می توانست در بهبود و پیشرفت اقتصادی و سیاسی اردوی زرین مؤثر باشد.⁶⁰

علاوه بر تلاشی که جهت دستیابی به مناطق آباد شمال غربی ایران از سوی اردوی زرین صورت می گرفت، پیامدهایی که این جنگ ها و تهاجمات نیز در پی داشت در روابط اقتصادی دو کشور تاثیرگذار بود. در جریان هر برخورد و جنگ میان دو حکومت، مرزها بسته می شد و بنابراین روابط میان آنان قطع می شد. قطع روابط دو کشور که پیامد مستقیم تصمیمات سران و زمامداران دو دولت در تعامل با دشمن و ضربه زدن به منافع اقتصادی و تجاری به آنان صورت می گرفت در کنار اوضاع متشنج و ناامنی حاصل از آن، مناسبات بازرگانی را مختل می کرد و ضربات موثری بر بازرگانان و تاجران وارد می ساخت. به عنوان نمونه به دنبال به وجود آمدن اختلافات و تنش های بین ایران و اردوی زرین در دوره هلاکو و برکا و پس از جنگ آنان بایکدیگر، تعدادی از بازرگانان قبیچاقی که در ایران به سر می بردند،⁶¹ کشته شدند.⁶² یا پس از آخرین نبرد هلاکو و برکه و بازگشت او به تبریز 662 هـ.ق (1263م) ایلخان، دستور قتل تمامی بازرگانان قبیچاقی را صادر کرد. به دنبال این فرمان، تعداد زیادی از تاجران و بازرگانان به قتل رسیدند و اموال آنان غارت شد.⁶³

نمونه دیگر اقدامی است که اباقاخان پس از جنگی که با خان اردوی زرین، برکه داشت، جهت حفاظت و امنیت مرزهای شمال غربی سرزمینش انجام داد. به دستور او دیواری در این ناحیه از محل دالان ناوور تا دشت کردمان کشیده شد و خندقی عمیق میان آن حفر شد و تعدادی از سپاهیان ایلخانی به فرماندهی منگو تیمور و سماغارنویان مامور نگهبانی از این دیوار شدند.⁶⁴ این اقدامات در طول حکومت ایلخانان با شدت و ضعف ادامه داشت. و صاف گزارش می دهد:

«این وحشت از دو جانب بود تا زمان سلطنت گیخاتوخان، چون

نقای وارث مملکت منگوتیمور شده بار دیگر رسولان روان گشتند و

بازرگانان به آمد و شد پرداختند».⁶⁵

به این ترتیب روابط اقتصادی دو قلمرو ایلخانی و اردوی زرین، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت و وضعیت پایدار و منظمی نداشت. ترسی که از عدم ثبات در روابط دو کشور وجود داشت، باعث می‌شد تا تاجران و بازرگانان، حتی تا مدتی پس از پایان جنگ‌ها نیز از سرمایه‌گذاری در بخش مبادلات تجاری ایران و اردوی زرین خودداری کنند. در واقع وجود عدم ثبات در مناسبات سیاسی دو دولت به عدم ثبات در روابط اقتصادی آنان منجر می‌شد و این مسئله به خوبی در کمیت صادرات و واردات دو کشور در دو دوره مختلف تأثیر گذار بود.

علاوه بر این دو دولت سعی داشتند تا از راه‌های دیگری نیز به توان اقتصادی و تجاری دولت رقیب ضربه بزنند. اردوی زرین سعی داشت تا در تعقیب اهداف اقتصادی و تجاری خود، روابط خود را با مصر نزدیکتر کند.⁶⁶ پیشنهاد این روابط از سوی مصر نیز با استقبال مواجه شد. زیرا ممالیک به متحدی مقتدر، جهت ادامه دشمنی با ایلخانان نیازمند بودند و نیز روابط با اردوی زرین را به دلیل این که منبع اصلی تأمین سربازان جدید مملوک بود با اهمیت تلقی می‌کردند.⁶⁷ مشکل عمده در این میان، راه‌های ارتباطی بود که به دلیل وجود ایلخانان و کنترل آنان بر ایران، عراق، ارمنستان و قسمت اعظم آناتولی، اعمال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی توسط اردوی زرین و ممالیک به خوبی امکان پذیر نبود.⁶⁸ ایلخانان که به این مشکل واقف بودند، درصدد برآمدند تا از این شرایط بهره‌برند و مانع این روابط شوند. به عنوان نمونه اباقا تلاش کرد تا از وصول بازرگانان مصری و سایر تاجران که قصد رفتن به اردوی زرین را از طریق قلمرو ایلخانان داشتند، جلوگیری کند.⁶⁹ مساعی ایلخانان در تحقق این هدف، قرین موفقیت نبود. زیرا راه دریایی که از قسطنطنیه می‌گذشت از کنترل ایلخانان خارج بود و این راه مشکل ارتباطی مصر و الوس جوچی را حل می‌کرد. اما مسئله دیگری که در استفاده از این راه دریایی وجود داشت، این بود که قسطنطنیه در کنترل حکومت صلیبی لاتن‌ها قرار داشت و این حکومت نیز با ممالیک روابط مطلوب و حسنه‌ای نداشت. با سقوط دولت لاتن توسط بیزانسی‌های نیکائی در سال 660 هـ.ق (1261م) این مشکل نیز برطرف شد و اردوی زرین توانستند

روابط تجاری خود را با تکیه بر اهداف اقتصادی و سیاسی دنبال کنند. این مسئله به دلیل اینکه ممالیک و خان های الوس جوچی دو دولت دوست و متحد و طرف های تجاری عمده ای برای یکدیگر بودند، بسیار مهم بود.⁷⁰

با سقوط دولت صلیبی لاتن، جنواییان در تعقیب اهداف تجاری خود و نیز رقابت با ونیزیان، درصدد اتحاد با میخائیل پالئولوگ برآمدند. این اتحاد سبب شد تا جنواییان در عرصه تجارت دریای سیاه و بازارهای بیزانس، جای رقبای ونیزی خود را بگیرند.⁷¹ حذف رقبای جنوایی از عرصه های تجاری مناطق مذکور و تضعیف توان اقتصادی آنان از سوی دیگر باعث شد تا جنواییان در بازرگانی خارجی آسیای میانه نیز قدرت و نفوذ فراوانی به دست آورند و حتی تجارت این مناطق را به انحصار خود درآوردند. تلاش جنواییان در بسط سیطره بازرگانی و تجاری خود، آنان را روبروی ایلخانان قرار داد. زیرا این دولت نیز در عرصه تجاری آسیای میانه فعال بود. به این ترتیب رقابت با ایلخانان باعث نزدیکی بازرگانان ایتالیایی به اردوی زرین و مصر شد.⁷²

در نتیجه همانگونه که ایتالیایی ها تجارت پر رونق و قابل توجهی با مصر و سوریه داشتند، در عرصه های بازرگانی اردوی زرین نیز سرآمد شدند.⁷³ تلاش اردوی زرین در جلب طرف های تجاری و اقتصادی در پی اهداف سیاسی و نیز افزایش حجم مبادلات تجاری و توان مالی و اقتصادی این دولت صورت می گرفت. آگاهی از رقابت تجاری ایلخانان با تجار ایتالیایی و اعطای تسهیلات و امکاناتی جهت آنان و فعالیت هایی از این دست نیز در پی همین سیاست ها صورت می گرفت.⁷⁴

بدین ترتیب اگر چه فقدان امنیت و ثبات در مناسبات اقتصادی دو دولت خلل هایی جدی به وجود آورد، اما این موضوع برای ایلخانان، اهمیت چندانی نداشت. زیرا ایران بازارهای ماوراءالنهر و ترکستان را جایگزین بازارهای اردوی زرین می کرد و کالاهای موردنظر خود را از آنجا وارد می نمود.⁷⁵ پس از رکودی که در تجارت به دنبال رقابت ها و جنگ های خانگی در اردوی زرین در نیمه قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) به

طور موقت چهره نمود، تجارت این دو سرزمین دوباره احیا شد و بازرگانان روسی، یهودی، ارمنی و ایرانی در تجارت دو کشور فعالیت خود را از سر گرفتند.⁷⁶

نتیجه گیری

در زمینه اقتصادی، دوره مغول و استیلای حکومت های مغولی به چند دلیل حائز اهمیت است. اول اینکه، چون بیشتر لشکرکشی ها و فتوحات مغولان به مناطق مختلف با ویرانگری های بسیاری همراه بود، در طی این حملات و فتوحات، بیشتر شهرها و مراکز مهم اقتصادی و بازرگانی غارت و ویران شدند و این مسئله باعث شد تا این مراکز تا مدتی و یا برای همیشه از عرصه فعالیت های تجاری کنار بمانند.

دوم اینکه به دنبال همین فتوحات و ویرانی شهرها و مراکز مهم اقتصادی و در پی تأسیس حکومت های جدید مغولی، شهرهای دیگر به عنوان مراکز بازرگانی و ترانزیتی اهمیت و مرکزیت یافتند و جای مناطق و مراکز مهم قبلی را گرفتند که از این جمله می توان به تبریز اشاره کرد که به دلیل موقعیت خاص خود در نزدیکی به پایتخت ایلخانان و نیز مجاورت با راه های مهم ارتباطی و مراسلاتی شرق، غرب، شمال و جنوب به یکی از مهمترین مراکز بازرگانی این دوره تبدیل شد.

سوم اینکه به دلیل یکپارچگی اولیه امپراطوری مغول که فعالیت های بازرگانی و تجاری را در سرزمین ها و مناطق مختلف این امپراطوری آسان تر می نمود از سویی و اهمیت و علاقه حکام مغول به تجارت و مراودات بازرگانی از سوی دیگر، بازرگانی و تجارت در این دوره رونق خاصی یافت. حکومت های مغولی در صدد بودند تا با جلب تجار و بازرگانان نقاط مختلف و تجارت با مراکز گوناگون، توان اقتصادی خود را بالا برند و به برخی از اهداف سیاسی خود نیز نایل آیند. در این دوره تجارت و بازرگانی پس از رکود اولیه خود که پیامد جنگ ها و لشکرکشی های دوره های مغول و ویرانی مراکز تجاری و بازرگانی بود، به سبب توجه فرمانروایان مغول و فراهم شدن زمینه های مناسب

رشد یافت. بازرگانان، کاروان‌ها و ناوگان‌های تجاری در نقاط دور و نزدیک به فعالیت مشغول بودند و اقلام و کالای گوناگون را خرید و فروش می‌کردند.

تشکیل خان نشین اردوی زرین، توسط اعقاب جوچی در مناطق شمالی ایران و سپس تأسیس حکومت ایلخانان در ایران به روند مناسبات تجاری و بازرگانی این مناطق شکل خاصی بخشید. زیرا تأسیس دو حکومت خویشاوند در مجاورت یکدیگر به طور عمده و ملموسی بر مراودات بازرگانی دو کشور تأثیر گذاشت. گرچه سابقه روابط تجاری ایران و دشت قباچاق به مدت‌های قبل از تشکیل این حکومت‌ها مربوط می‌شده است و این دو سرزمین از گذشته، در زمینه ترانزیت و دادوستد کالا با یکدیگر روابط اقتصادی داشته‌اند، اما در این دوره، عوامل خاصی بر روند مناسبات تجاری و کیفیت و کمیت آن تأثیر گذاشت.

یکی از مهمترین عوامل مؤثر در روابط بازرگانی ایران و اردوی زرین، نوع مناسبات و جو حاکم بر روابط سیاسی دو دولت بود. در واقع در دوره‌های جنگ و تنش میان دو دولت، روابط بازرگانی و تجاری نیز کمتر و یا راکد می‌شد. به این ترتیب، عدم ثبات در روابط بازرگانی دو کشور یکی از بارزترین ویژگی‌های مناسبات تجاری دو دولت بود.

علاوه بر اینکه اختلافات و رقابت‌های سیاسی دو کشور در مسائل اقتصادی و بازرگانی دو دولت به شکل مستقیم فرصت بروز می‌یافت، ایلخانان اردوی زرین سعی داشتند تا با اعمال سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای نیز توان سیاسی و اقتصادی یکدیگر را تضعیف نمایند. در این میان خان‌های اردوی زرین به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، کمی تنوع محصولات و اقلام صادراتی، عدم دسترسی به آب‌های گرم و غیره، تلاش بیشتری برای فراهم آوردن تسهیلات اقتصادی چندی برای دولت‌ها و بازرگانان فعال در عرصه تجاری این کشور صورت می‌دادند و بخصوص سعی داشتند تا رقبای سیاسی و تجاری ایلخانان را به نفع خود وارد این رقابت نمایند.

ایران در مقایسه با اردوی زرین به لحاظ تنوع اقلیم جغرافیایی، تنوع محصولات و کالاهای صادراتی، داشتن موقعیت منطقه‌ای مناسب، دارا بودن مسیرهای ارتباطی بیشتر و

مرزهای دریایی در وضعیت و شرایط بهتری قرار داشت. به همین دلیل و کمی تقاضای ایران برای محصولات اردوی زرین، ایلخانان دست بازی جهت اعمال نقشه های سیاسی خود در مراودات بازرگانی با اردوی زرین داشتند. خان های اردوی زرین نیز با آگاهی از این مسائل، علاوه بر اقداماتی که به آن اشاره شد، سعی داشتند تا با دستیابی بر بخشی از مراکز و راه های مهم ارتباطی ایران در آذربایجان و جنوب قفقاز، شرایط خود را بهبود بخشند.

در مجموع باید گفت که گرچه تجارت و بازرگانی با اقبال و توجه خاص حاکمان کشورهای مختلف مغول در این دوره وضعیت مناسبی پیدا کرد، اما در مورد ایران و اردوی زرین این مسئله تا حد زیادی از نوع مناسبات سیاسی و اختلافات و تنش های میان ایلخانان و خان های اردوی زرین متأثر شد.

یادداشت‌ها

- 1- ساندرز، ج.ج: تاریخ فتوحات مغول، ترجمه، ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1361 ش، ص 154.
- 2- اشپولر، برتولد: تاریخ مغول در ایران، ترجمه، محمود میرآفتاب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1351 ش، ص 249.
- 3- همان، ص 249.
- 4- همانجا.
- 5- همانجا.
- 6- گروسه، رنه: تاریخ مغول چنگیزیان، ترجمه، محمود بهفروزی، تهران، انتشارات آژادمهر، 1383، ص 288 و تیموری، ابراهیم: امپراطوری مغولان و ایران، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377، ص 384.
- 7- ویلتس، دوراکه: سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه، مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات خوارزمی، 1368 ش، ص 64.
- 8- کنز، پیترو: تاریخ اتحاد شوروی، ترجمه، علی اکبر مهدیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1381 ش، ص 12.
- 9- گروسه: ص 261.
- 10- ویلتس: ص 124.
- 11- همانجا.
- 12- نبرد کالکا یکی از نخستین نبردهایی است که در دوره اول تهاجم مغولان به روسیه در کنار رودی به همین نام در سال 620 ه ق (1223 م) میان مغولان و روس‌ها رخ داد و به پیروزی مغولان انجامید.
- 13- ابن اثیر، عزالدین علی: الکامل (تاریخ بزرگ اسلام)، ترجمه، ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، 1347 ش، ج 26، ص 192 و همدانی، رشیدالدین فضل الله:

- جامع التواریخ، مصحح، محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، انتشارات البرز، 1373ش، ج 1، ص 535.
- 14- بارتولد، و.و: تاریخ ترک های آسیای میانه، ترجمه، غفار حسینی، تهران، انتشارات طوس، 1376ش، ص 193.
- 15- بنیگسن، الکساندر وپراکس، آپ. مری: مسلمانان شوری گذشته، حال، آینده، ترجمه، کاوه بیات، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، 1370ش، ص 18.
- 16- استریکلر، جیمز. ای: روسیه تزاری، ترجمه، مهدی حقیقت خواه، تهران، انتشارات ققنوس، 1380ش، ص 18.
- 17- هال، مری: امپراطوری مغول، ترجمه، مهدی حقیقت خواه، تهران، انتشارات ققنوس، 1380ش، ص 120.
- 18- قلقشندی، ابی العباس احمد بن علی: صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، قاهره، الموسسه المصریه لتالیف و الترجمه و النشر، بی تا، جزء رابع، ص 469.
- 19- قلقشندی اشاره دارد که سرای به فاصله دو روز از دریای خزر واقع است. ن.ک قلقشندی: همان، جزء الرابع، ص 457.
- 20- میرخواند، سید برهان الدین: روضه الصفا، تهران، انتشارات خیام، 1339ش، ج 5، ص 134؛ و رمزی، م.م: تلفیق الاخبار و تلقیح الآثار فی وقایع قزان و ملوک التتار، اورنبورگ، المطبعه الکریمیه و الحسینییه، 1908م، ج 2، ص 402.
- 21- charles: Russia and the Golden hord, London, L .b tauris and Puplishers, 1987, p25.1987,p250.
- 22- ابن بطوطه: رحله ابن بطوطه (مسماه تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، قاهره، ناشر وادی النيل، 1287هـ-ق، ص 209 و 208.
- 23- ساندرز: همان، ص 154.
- 24- مولف ناشناخته: هفت کشور (صورالاقالیم)، مصحح، منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1357ش، ص 104.

- 25- ساندرز: همان، ص 154.
- 26- قلقشندی: همان، جزء الرابع، ص 457 و 471.
- 27- Halprin: opcit, p8.
- 28- ساندرز: همان، ص 154.
- 29- مورگان، دیوید: مغول ها، ترجمه، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، 1371ش، ص 189.
- 30- گروسه: همان، ص 660.
- 31- سال مذکور پایان زمامداری برکا و جانشینی منگوتیمور است و مشخص نشده است که اعطای زمین در دوره زمامداری کدامیک از این دو صورت گرفته است.
- 32- همان: ص 660.
- 33 - همانجا.
- 34- بارتولد: همان، ص 193.
- 35- رشیدالدین فضل الله: همان، ج 2، ص 1302؛ تحریر تاریخ و صاف: عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1372، ج 1، ص 37.36؛ قلقشندی: همان، جزء الرابع، ص 469.
- 36- رشیدوو، پی. نن: سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق، ترجمه، اسدالله آزاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1368ش، ص 128.
- 37- انصاری دمشقی، شمس الدین محمد. نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، ترجمه، سید حمید طیبیان، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران، 1357، ص 243.
- 38- نیم مردان، جزیره تجاری مهمی در سواحل دریای خزر بوده است. مستوفی قزوینی، حمدالله: نزهة القلوب، به اهتمام گی لسترنج، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1353، ج 2، ص 160.
- 39- همان: ص 160.
- 40- Halprin: opcit, p 85.

- 41- گونه ای سنجاب سفید رنگ است.
- 42- جانوری مشابه سگی کوچک که هم در خشکی و هم در دریا زندگی می کند.
- 43- انصاری دمشقی: همان، ص 448 و هفت کشور، ص 104.
- 44- ماکوپولو: سفرنامه (معروف به ایل میلیونه)، ترجمه، س منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، تهران، انتشارات گویش، 1363، ص 247.
- 45- ابن بطوطه: همان، ص 209.
- 46- مستوفی: همان، ج 2، ص 259؛ هفت کشور، ص 104.
- 47- منگوتیمور بن توقوقان از خان های اردوی زرین، مدت حکومت 665هـ - 682هـ (1266م - 1283م) و نوقای از خان زادگان و نظامیان متنفذ اردوی زرین در دوره زمامداری تغتو، مدت حکومت 691 هـ - 712 هـ (1291م - 1312م).
- 48- و صاف: تحریر تاریخ و صاف، ج 1، ص 37.
- 49- قلقشندی: همان، جزء الرابع، ص 29.
- 50- انصاری دمشقی: همان، ص 239.
- 51- و صاف: تحریر تاریخ و صاف، ج 1، ص 37.
- 52- خواند میر، غیاث الدین بن همام الله الحسین: حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، انتشارات خیام، بی تا، جزء اول از مجلد سوم، ص 180.
- 53- مورگان: همان، ص 189.
- 54- انصاری دمشقی: همان، ص 448.
- 55- همدانی، رشیدالدین فضل الله: سوانح الافکار رشیدی، به اهتمام محمد تقی دانش پژوه، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، 1358، ص 174 و 166.
- 56- مورگان: همان، ص 174 و 173.

58- رشیدالدین فضل الله: همان، ج 2، ص 1062؛ میرخواند: همان، ج 5، ص 283؛ ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل: البدایه و النهایه، دمشق، مطبع السعاده، 1351 هـ ص 255-258.

59- ساندرز: همان، ص 153.

60- مورگان: همان، ص 173-174.

61- از خان های اردوی زرین، مدت حکومت، 654هـ-665هـ (1256م-1266م).

62- میرخواند: همان، ج 5، ص 270؛ مستوفی: همان، ص 581 و 580.

63- و صاف: تحریر تاریخ و صاف، ج 1، ص 36.

64- رشیدالدین فضل الله: جامع التواریخ، ج 2، ص 1063.

65- و صاف: تحریر تاریخ و صاف، ج 1، ص 37.

66-Halprin: opcit, p30.

67- مورگان: همان، ص 189.

68- همان: ص 189.

69- محی الدین بن عبدالظاهر: السلوک المعرفه دول الملوک، مصحح و وضع حواشیحه، محمد مصطفی زیاده، بی جا، مطبعه لجنه التالیف و الترجمه و النشر، 1957، ص 307.

70- مورگان: همان، ص 189.

71- ویلتس: همان، ص 150.

72- همان: ص 151 و 150.

73- همان: ص 151 و 150؛ گروسه: همان، ص 660.

74- اشپولر: همان، ص 431.

75- ویلتس: همان، ص 201.

Halprin: opcit, p30.